



## نقش مقیاس تعرف در شکل‌گیری شهر اسلامی

عباس جهان بخش<sup>\*</sup>، مهسا صفریان<sup>1</sup>، سمانه پورعمادی<sup>2</sup>

1- دانشجوی معماری دانشگاه هنر اصفهان

2- دانشجوی معماری دانشگاه هنر اصفهان

### چکیده

بسیاری از جامعه‌شناسان، پیدایش شهرها را ماحصل تولید مازاد اقتصاد روستایی می‌دانند، اگر سود اقتصادی به عنوان محور وحدت شهر باشد، وقوع قشربندی و ظهور نابرابری امری مورد انتظار خواهد بود همانگونه که مروری بر تاریخ شهر نشینی نشان دهنده این امر است. جامعه‌شناسان غربی به بررسی این پدیده پرداخته و مفاهیم مختلفی چون همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و واحدهای همسایگی را وضع و تشریح کرده‌اند. در این مقاله این مفاهیم مرور شده و نظام ساختاری شهرهای مدرن بر همین مبنا تحلیل شده‌اند. در مقابل از مباحث نظام اجتماعی اسلام می‌توان به دو مفهوم امت و مقیاس تعرف برای تعریف جامعه مطلوب شهری مد نظر اسلام اشاره نمود که این مقاله بر مفهوم «مقیاس تعرف» تمرکز نموده و بر اساس آن برخی تجارب تاریخی شهرهای ایران و جهان اسلام را مورد واکاوی قرار داده است. در انتها دو راه کار اصلی تعریف مرز (و کنترل اندازه محله) و تعریف مرکز با تکیه بر نقش مساجد محلی به عنوان راهکارهای کالبدی حفظ مقیاس تعرف در جوامع معاصر اسلامی پیشنهاد شده‌اند.

کلمات کلیدی: شهر اسلامی، مقیاس تعرف، محله محوری، همبستگی اجتماعی



## روش تحقیق:

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) می‌باشد. روشهای اسنادی در زمره روشها یا سنجه‌های غیر مزاحم محسوب می‌شوند. در روشهایی نظیر مشاهده و آزمایش مشکل اساسی جمع آوری اطلاعات است اما به هنگام کاربرد روشهای اسنادی، اطلاعات موجود و قابل دستیابی اند. [1] روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش «استدلال منطقی» می‌باشد. روش تحلیل در این تحقیق، «استدلال منطقی» می‌باشد. استدلال منطقی سلسله‌ای از دانسته‌های پراکنده موجود را در چهارچوب‌هایی منظم که واجد توان تبیینی چشمگیر و گاه بدیع‌اند به انسجام رسانده و یک سامانه منطقی را شکل می‌دهد. چنین سامانه‌ای در صورت موفقیت می‌تواند روش جدیدی را در نگاه و تحقیق پیرامون پدیده‌های موجود ایجاد نماید. سامانه‌های منطقی توانایی نمایان ساختن واقعیت‌هایی را دارند که از ظاهر تجربی چیزها عمیق ترند [2] و پیوندهایی را نیز بین جنبه‌های نمایان واقعیت ایجاد می‌نمایند که موجب یکپارچگی موضوع و ایجاد فهم جدیدی از مفاهیم و پدیده‌های موجود یا خلق مفاهیم جدید می‌شوند. برای شرح و بسط مفاهیم اسلامی مورد نیاز در تعریف شهر اسلامی به جای مراجعه و برداشت مستقیم از آیات و روایات که نیازمند توانایی‌های اجتهادی خاص خود است به تفاسیر معتبر شیعی به ویژه تفسیر المیزان مراجعه شده است.

## مقدمه

شهرها در طول تاریخ نماد جهان بوده اند، [3] ساکنان شهرها را آنگونه می‌ساختند که جهان را می‌دیدند و می‌خواستند. جامعه شناسان تراکم نفوس را برای زندگی شهری شرطی لازم می‌دانند و نه شرط کافی. [4] در شهر نه تنها جمعیت بیشتری وجود دارد بلکه شهر، نوآوری در سازمان اجتماعی نیز ایجاد می‌کند. ابن خلدون جامعه شناس و مورخ قرن هشتم هجری معتقد بود که تمرکز قدرت اقتصادی در شهرها سبب شد تا تفاوت عمیقی بین شهر و روستا از لحاظ الگوی اقتصادی پدید آید. تفاوت شهر و روستا، نه فقط از نظر جمعیت، بلکه از نظر پیچیدگی تقسیم کار در آن بود. در نتیجه در شهر، سلسله مراتب و قشربندی پدید آمد و مازاد تولید سبب ظهور نابرابری شد. [5] اگر محور وحدت اجتماعی برای شکل‌گیری شهر اقتصاد و کسب درآمد افزون تر باشد، طبیعی است که همین عامل وحدت خود سبب ایجاد تفرقه و تضاد خواهد شد. ممفورد در این زمینه می‌نویسد: «همراه با رشد کمی و افزایش ثروت شهر، گونه دیگری از تقسیم بندی پدید آمد: تقسیم بندی بین دارا و ندار یا ثروتمند و فقیر» [3] جامعه شناسان غربی به این تفرقه و تضاد پرداخته و سعی در ارائه راه حل یا تحلیل آن مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی خود داشته اند. در ادامه مقاله نظریات جامع شناسی غربی ذکر شده و نظام ساختاری شهرهای مدرن بر همین مبنا تحلیل می‌شود. سپس مفاهیم امت و تعرف و نظریات جامعه شناسی اسلامی تحلیل شده و با مرور برخی تجارب تاریخی شهرهای سنتی ایران و جهان اسلام؛ راهکارهای اصلاح نظام ساختاری شهرهای مدرن بر مبنای مقیاس تعرف مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.



## همبستگی اجتماعی و نظریات جامعه‌شناسی غربی

معنای همبستگی اجتماعی در زبان لاتین معادل «Social solidarizing» [6] به کار رفته و با واژه‌های: وحدت، همدلی، وفاق ملی، یکپارچگی اجتماعی، نظم اجتماعی، و مانند آن، قرابت معنایی دارد [7]. و همگی بر پیوندهای عمیق اجتماعی، وابستگی‌های ملی و مذهبی، علایق و احساسات مشترک و کنش‌ها و واکنش‌های مورد اتفاق دلالت می‌کنند. در برابر، واژه‌هایی چون تفرقه، جدایی، واگرایی، پراکندگی اجتماعی، اختلاف، چند دستگی و مانند آن به معنای گسست اجتماعی، فقدان پیوند استوار و ارتباط محکم و پایدار اجتماعی و همگرایی ملی هستند.

### نظریه دورکیم

دورکیم همبستگی اجتماعی را به صورت شفاف در بستر تحلیلی تقسیم کار اجتماعی به کار برد. وی برای رسیدن به دستگاه تحلیلی مورد نظر خود، از مفهوم صنف آغاز و سیر تغییر و دگرگونی‌های اصناف را پی گرفت. [8] در دوره‌ای که اصناف "محلی و بومی" بوده‌اند، تقسیم کار ساده‌ای وجود داشت و وجدان جمعی مبتنی بر شباهت‌ها و مشترکات بود. وجدان جمعی در تعریف دورکیم، مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه واحد است. همین مشترکات است که "همبستگی اجتماعی" ایجاد می‌کند. [8]

### مفهوم وجه اشتراک

به جرات می‌توان اذعان داشت که در تمامی تعریف‌های مطرح شده، چه از اجتماع و چه از گروه‌های اجتماعی، مفهوم اشتراک جایگاه ثابتی دارد. کمیسیون تحقیقات ملی آمریکا روی محلات، اجتماع را شامل جمعیتی عنوان میکند که با هم دارای زندگی جمعی و مشترک‌اند و این از طریق سازماندهی نهادی میسر می‌گردد. در ضمن علایق و هنجارهای مشترک از رفتار در این تعریف دلالت شده است [9]. وجه اشتراک می‌تواند ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مشابه و یا حتی تاریخ و هویت مشترک، احساسات و سوگیری‌های فکری مشترک باشد. نتیجه این اشتراکات می‌تواند همگونی در اجتماع و گروه باشد [10]. شاید بتوان علت "همبستگی اجتماعی" موجود در محله‌های سنتی در مقایسه با "بیگانگی اجتماعی" در محله‌های امروزی را نیز وجود همین عامل "وجه اشتراک" در میان ساکنان محله‌های سنتی دانست. عاملی که اکنون به علت فقدان آن در جوامع امروزی منجر به عدم شناخت، تعرف، ساکنین یک واحد همسایگی نسبت به یکدیگر می‌گردد و مشارکت اجتماعی و همبستگی لازم را در پی ندارد.

توماس [11] در خصوص جنبه‌های مختلف از تعامل اجتماعی بحث میکند و آن را در مدلی شبیه به نردبان ارائه می‌نماید. وی معتقد است که کمبود یا ندرت وقوع تعامل‌ها در میان ساکنان اجتماع، به اجتماعی منجر می‌شود که وی آن را "اجتماع لفظی" و در جای دیگر "اجتماع غیر ممتاز" نام گذاری می‌کند.

برای درک میزان برخورداری واحد محله از همبستگی اجتماعی باید به نوع روابط واقعی و تعلقات مشترک اعضا توجه داشت. اگر بخواهیم از منظر جامعه‌شناسی به این مسئله بپردازیم، نخست باید روابطی را تحت عناوین "روابط نخستین" و "روابط ثانوی"



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

مورد توجه قرار دهیم. بدین معنی که همبستگی اجتماعی اعضای ساکن در محله زمانی محقق می‌گردد که این افراد به طور طبیعی روابط نخستین را که صمیمیت، حمیت، خودمانی بودن، هویت محله‌ای، همزبانی، همدردی و همزیستی است، بپذیرند. چنین وضعیتی زمانی پیش می‌آید که افراد ساکن در محله به لحاظ منشا اجتماعی یا قشر اقتصادی و یا منطقه‌ی مهاجرت از نوعی همگنی و علائق روحی خاصی برخوردار باشند که به دنبال آن تعرف مورد نظر خود به خود شکل می‌گیرد. فردیناند تونیز در نوع‌شناسی خود دو مفهوم گمیشافت (اجتماع) و گزلشافت (جامعه) را که بیانگر زندگی گذشته و حال و گذار از اجتماع طبیعی و صمیمی به سازمان نوبنیاد و مصنوعی که ویژه‌ی عصر جدید است، مورد بحث قرار داده است. در گمیشافت (اجتماع) انسان‌ها به طور طبیعی با هم متحد و هماهنگ و با آرامش کامل زندگی می‌کنند، اما در گزلشافت (جامعه) ارزش‌ها و سنت‌ها ناهمگون و مردم از هر قوم و قبیله‌ای مهاجرت کرده و گرد هم جمع شده‌اند، اما به یکدیگر کاری ندارند و نوعی جنگ پنهانی و خشونت حاکم است. [12]

«شهر جایگاه نسبتاً بزرگ و دائمی سکونتگاه افرادی است که به لحاظ اجتماعی (و فرهنگی) ناهمگون اند» [13]. به نظر او در شهرها تعداد بسیار زیادی از جمعیت در فاصله‌ی بسیار کمی از یکدیگر زندگی می‌کنند، اما به درستی یکدیگر را نمی‌شناسند و تماس‌های آن‌ها، به جای آنکه روابط مطلوب را موجب شود، صرفاً ابزاری برای رسیدن به هدف خود تلقی می‌شود. به نظر ورث، تماس‌های شهریان با همدیگر اگر چهره به چهره هم باشد، اما سطحی، زودگذر، جزئی، غیر عاطفی، حسابگرانه و عقلگرایانه است. شاید بتوان آن‌را به این دلیل دانست که آن‌ها شناخت درستی از یکدیگر پیدا نمی‌کنند.

یکی از موضوعاتی که پس از ایجاد شهرنشینی مدرن مورد توجه قرار گرفت ایجاد آرامش و امنیت و به نوعی روابط عاطفی و سنتی و همگرایی اجتماعی نهفته در بافت‌های شهری سنتی، در محدوده‌هایی است که به "محله‌های شهری" شهرت یافته‌اند.

## محله، یک واحد اجتماعی

براور [14] معتقد است، محله یک مکان است؛ مکانی که مردم در آن زندگی می‌کنند؛ مکانی که دارای خانه‌ها و کاربری‌های مختلفی است اما وجود این کاربری‌ها نمی‌تواند آن‌را فراتر از مفهوم محله یا کمتر از آن نماید. افرات محله را به عنوان "اجتماع کامل قلمرویی" و ساتلز آن را "همسایگی دفاع شده" می‌نامد. در چینی ماهیتی از زندگی جمعی، تمامی فعالیت‌های موردنیاز انسان درون محدوده‌های با وسعت مشخص و مرزهای معین انجام می‌گیرد. [15]

در رابطه با محله‌های شهری موجود در شهرها تنها مسئله‌ی فضا و نواحی که از نظر سنخی همسان باشند، مطرح نیست بلکه بیشتر منظور "واحد‌های اجتماعی" واقعی است که به طور طبیعی به وجود آمده‌اند و پس از مدتی شکل ثابت و پایداری به خود گرفته‌اند این محله‌ها در اصل مجموعه‌ای از گروه‌های محله‌ای می‌باشند که دارای نوعی همبستگی اجتماعی از نوع گمیشافتی هستند، به گونه‌ای که هر محله دارای هویتی متمایز از محلات دیگر می‌باشد که همین امر باعث می‌شود ارزش و اعتباری جدا پیدا کند و در جهت حفظ و دفاع از هویت جمعی خود حرکت کند.

در تعریف محله‌های شهری باید به این نکته اذعان داشت که با تقسیم بندی‌های داخل شهر برحسب ملاک مناطق و نواحی، یکسان حساب نشود.



در واقع، هر محله به لحاظ جامعه‌شناختی عبارت است از همکاری گروه محلی که بر اساس همسایگی و مجاورت مکانی و منافع مشترک، با شناخت متقابل و صمیمیت و برخورد سازنده شکل یافته است و از منافع مشترک مادی و معنوی متعلق به همگان دفاع می‌کند [16]

### اجتماع و محله

اگرچه مفهوم‌های معناداری چون اجتماع و محله، که قدمت آن به اندازه تمدن‌های شهری است [17]، توسط دیدگاه‌هایی چون دیدگاه لامکانی ملوین وبر به راحتی متلاشی شد، اما این مفهوم‌ها دوباره مطرح شده است.

دویس و هیرت اشتراک عناصر موجود در تعریف‌های ارائه شده از محله و اجتماع را در سه قلمروی عمده یادآور می‌شوند: قلمروی اول، که مرتبط است با "ظرف فضایی" که خود را به صورت تفاوت‌های کالبدی و اجتماعی در داخل مرزها و محدوده‌ها نشان می‌دهد؛ قلمروی دوم، که مرتبط است با "رفتار و تعامل" مردم به صورت ارتباط اجتماعی و اقتصادی افراد با دیگران در محدوده‌های اطراف خانه‌شان؛ قلمروی سوم، که مرتبط با "هویت مفهومی" است، که با مقوله‌هایی چون حس اجتماع، حس جمعی از مکان آمیخته شده است. دو زیر قلمروی هویت مفهومی را آنان "فرآیند شناختی" و "تاثیر روانی" عنوان می‌کنند. [9]

هاروی نیز بر وابستگی فرم فضایی با فرآیندهای اجتماعی و جدایی‌ناپذیری ساخت و سازمان فضایی از آن تاکید می‌کند [18]

قدرت هر محله به تبع تجانس اجتماعی ساکنان آن محله شکل می‌گیرد. در ذیل این موضوع می‌توان خاطر نشان شد که همین همسانی و شباهت در نوع زندگی، موجب تقرب و "تعرف" متقابل افراد و به تبع آن شکل‌گیری احساس تعلق به گروه معین می‌شود، اما غالب محله‌های شهری ویژگی‌های مثبت خود را به ویژه در زمینه‌ی همبستگی اجتماعی و هویت محله‌ای مورد نظر از دست داده‌اند و به "سرمایه منفی" گرایش پیدا کرده‌اند بدین معنی که برخی از محله‌ها منشا ظهور مفسد اجتماعی و به دنبال آن ایجاد بیگانگی اجتماعی می‌باشند.

### محله، یک سرمایه اجتماعی

محله‌های شهری، چه آنچه به عنوان میراث گران بهای گذشتگان باقی مانده، چه محله‌های سازمان‌بندی شده‌ای که در قالب جامعه‌ی مدنی استفاده می‌شوند، می‌توانند به مثابه سرمایه‌ی اجتماعی در نظر گرفته شوند که حفظ و بهره‌گیری از آن می‌تواند اقدامی به هنگام در جهت غنای روابط سالم اجتماعی باشد.

از دیدگاه پیر بوردیو «سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به برقراری شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر، عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش یک سرمایه‌ی اجتماعی-صلاحیتی فراهم می‌کند که آنان را مستحق اعتبار بر معانی مختلف کلمه می‌کند» [19]

بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که محله‌های شهری در صورتی که به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی تلقی شوند و هنجارهای مشترک گروهی را در جهت منافع جمع هدایت کنند، می‌توانند بسیاری از مسائل و مشکلات کنونی شهرها را حل و



فصل کنند از این رو بحث و بررسی در رابطه با ویژگی هایی از محله های شهری که موجب اعتلاء و رونق آن ها می شود همانگونه که در محلات قدیمی اتفاق می افتاده است ، می تواند راهگشای خوبی در طراحی محله های کنونی باشد.

### نظام ساختاری شهرهای مدرن

رشد جمعیت جهان که 96 درصد آن در کشور های در حال توسعه رخ می دهد ( UNPPA, 1993 ) ، شهر ها را از ابعاد مطلوب انسانی خارج کرده است. طبق پیش بینی های سازمان ملل ، تا سال 2010 م. ، 511 شهر بزرگ ، هر یک بیش از یک میلیون نفر جمعیت خواهد داشت و برای نخستین بار ، بیش از 50 درصد جمعیت جهان در شهر ها سکنا خواهند گزید . به نحوی که تا سال 2035 م. ، تعداد شهرهای بزرگ بالغ بر 639 کلان شهر می شود. [22]

به دلیل تجمع و تمرکز جمعیت فراوان و نیز تمرکز سرمایه ها و ذخایر در شهر ها ، فرآیند شهرنشینی در همه نقاط جهان از جمله ایران ، میزان آسیب پذیری را به سرعت افزایش داده است.

شهر مدرن مملو از نا امنی ها و آسیب های اجتماعی است. تامین امنیت شهری از این جهت ، اگر امری محال نباشد اما مشکل به نظر می رسد. به همین دلیل شهرهای بزرگ که ابعاد انسانی را پشت سر گذاشته اند و دچار انواع تراحات و بی قاعدگی شده اند موجب بروز و ظهور آسیب های همه جانبه ای گشته اند.

به کارگیری استراتژی ایجاد محله های شهری با ابعاد انسانی-در معنایی که فردیناند تونیس آن را گمیشافت<sup>1</sup> می خواند-در برنامه ریزی روابط سالم انسانی از طریق سازماندهی و ایجاد شکل های محله ای همراه با نهاد ها و تاسیسات فرهنگی ، اجتماعی می تواند همبستگی های درون محله ای را تقویت کند و در آینده به مثابه راه حلی نو در برابر فضای باز و بی قواره شهرهای بزرگ تلقی شود. [16]

به طور کلی ، امروزه در بیشتر مناطق مسکونی شهرهای بزرگ از محیط های مانوس گذشته خبری نیست و محیط هایی که در آن ها بین ساکنان روابط انسانی سالم ، طبیعی و خودمانی برقرار باشد، به کلی بر هم خورده است.

### باز تعریف هویت محله ای و محیط های مانوس

یکی از فرصت ها و امکاناتی که در گذشته به روابط انسانی سالم و مانوس کمک می کرد، مناسبات همسایگی و روابط میان کسانی بود که در محله ای گرد هم جمع می شدند ، همدیگر را می شناختند ، به مشکلات و درد های یکدیگر رسیدگی می کردند. محله ها ، گذر ها و کوچه های آن به دلیل روابط اجتماعی هماهنگ و محیط مانوس شکل گرفته در آن ها ، از هویت اجتماعی ویژه ای برخوردار بود و " هویت محله ای " ، نوع خاصی از همبستگی اجتماعی را به وجود آورده بود. به خاطر این آشنایی و انس ، از سویی کنترل اجتماعی کارکرد مثبتی داشت و تا حدود زیادی مانع آسیب های اجتماعی می شد و از سوی دیگر ، افراد و خانواده ها ، به خصوص کودکان و زنان احساس امنیت بیشتری داشتند [16].

<sup>1</sup> Gemeinschaft





# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

به قول آنتونی گیدنز [20]، زندگی مدرن، نظام اجتماعی سازمان یافته‌ی سنتی را به هم زد و زمان و مکان را از هم جدا کرد. در محیط‌های سنتی گذشته، زمان و مکان با یکدیگر در ارتباط بود. در گذشته، همه چیز محلی بود: زمان محلی، معاملات محلی و روابط اجتماعی محلی، و اکنون همه چیز به سوی جهانی شدن و جدایی مکان از زمان پیش می‌رود و در نتیجه، هویت‌های محلی نیز از هم گسسته می‌شود و با بی‌هویتی، فردگرایی و بی‌خبری یا به عبارت دیگر، به قول "فریدمن" در شهرهای بزرگ با "جمع تنها" سر و کار داریم. [20]

در شهرهای جدید، خاصه در کلان‌شهرها، روابط سالم انسانی دچار آسیب‌پذیری شدیدی شده است. شاید بتوان علت آن را در این تغییر کالبدی جستجو کرد بدین گونه که محله‌ها، کوچه‌ها و گذرهای سنتی جای خود را به بزرگراه‌ها و ساختمان‌های بلند تجاری و اداری داده‌اند و به نوعی از مقیاس انسانی فاصله گرفته‌اند. از این رو امکان برقراری روابط انسانی و به دنبال آن تعرف ناشی از این مقیاس انسانی به حداقل خود رسیده است. به طور مثال مجتمع‌های جدید مسکونی به گونه‌ای سازمان یافته‌اند که گویی خانواده‌ها و اعضای آن‌ها در سلول‌ها منفرد و مستقل از یکدیگر، زندگی می‌کنند و امکان برقراری ارتباط در بین خانواده‌های ناآشنا که از قشرهای گوناگون و حتی مناطق مختلف کشور با ریشه‌های فرهنگی گوناگون یک جا جمع شده‌اند، وجود ندارد. تجربه نشان داده است که در کلان‌شهرها مردم اغلب به سمت نواحی ویژه‌ای حرکت کرده تا در میان گروه‌های سنتی و مذهبی همانند و یکسان زندگی کنند [21]

چنین ویژگی و ارتباطی به مردم اجازه می‌دهد تا با قبایل و مردم نواحی روستاهای مادری و ریشه‌ای خود در ارتباط باشند. این موضوع باعث ایجاد نوعی حس امنیت در مهاجران می‌شود.

در اندیشه و آثار برخی جامعه‌شناسان خصائل منفی و مطلوب زندگی مصنوع شهری (به خصوص کلان‌شهری) و خصائل‌های مطلوب، مثبت و طبیعی اجتماعات محلی و بادیه‌نشینی مورد توجه و بحث قرار گرفته است. به نحوی که محیط مصنوع را مردود، ناخوشایند و اجتماع محلی را به نحوی که "تونیز" آن را توصیف کرده است، مورد ستایش و منبع آرامش شناخته‌اند. [23]

## مفاهیم امت و تعرف و نظریات جامعه‌شناسی اسلامی

در فرهنگ غنی اسلام به واژه‌هایی چون "جماعت"، "امت" و واژه‌های هم خانواده آن‌ها و واژه‌هایی که با این دو واژه قرابت معنایی دارند، بر می‌خوریم که همگی بر مفهوم همبستگی اجتماعی به معنای عمیق و جامع آن در اسلام دلالت می‌کند. یکی از ساختارهای فطری و طبیعی برای ایجاد این همبستگی پیوندهای خونی و قبیله‌ای و خانوادگی در خلقت انسان می‌باشد، به عبارتی خلقت انسان در مقیاسی صورت گرفته که «تعرف» و آشنایی بین ابناء بشر امکان‌پذیر باشد؛ مفهوم مقیاس تعرف را می‌توان بر اساس تفسیر آیه سیزدهم سوره مبارکه حجرات توضیح داد:



" يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ... " <sup>۲</sup>

در توضیح کلمه ی "شعوب" در منابع تعاریف متعددی آمده است به گونه ای که در مجمع البیان آمده است: «به معنای قبیله بزرگی از مردم است، مانند قبیله ربیع و مضر. و کلمه "قبائل" جمع "قبیله" است که جمعیتی کوچکتر از شعب است.»<sup>۳</sup> در جایی دیگر گفته اند: «مطلب به عکس است، و شعوب جمعیت‌های کمتر از قبائل است به طوری که چند شعب یک قبیله را تشکیل می‌دهد. و اگر این جمعیت‌ها را شعب خوانده‌اند چون از یک قبیله منشعب می‌شوند.» بعضی دیگر چنین نوشته اند: «کلمه "شعوب" به معنای نژادهای غیر عرب از قبیل ترک و فارس و هندی و آفریقایی و امثال این‌ها است. و کلمه "قبائل" به معنای تیره‌های عربی است.»<sup>۴</sup>

مفسرین گفته‌اند: آیه شریفه در این مقام است که ریشه تفاخر به انساب را بزند. و بنابراین، مراد از جمله " مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ " آدم و حوا خواهد بود، و معنای آیه چنین می‌شود: ما شما مردم را از یک پدر و یک مادر آفریدیم، همه شما از آن دو تن منتشر شده‌اید، چه سفیدتان و چه سیاهتان، چه عربتان و چه عجمتان. و ما شما را به صورت شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم، نه برای اینکه طائفه‌ای از شما بر سایرین برتری و کرامت داشت، بلکه صرفاً برای این که یکدیگر را بشناسید و امر اجتماعتان و مواصلاات و معاملاتتان بهتر انجام گیرد، چون اگر فرض شود که مردم همگی یک جور و یک شکل باشند و نتیجتاً یکدیگر را نشناسند، رشته اجتماع از هم می‌گسلد، و انسانیت فانی می‌گردد.<sup>۵</sup>

گروهی دیگر از مفسرین نیز گفته‌اند: اختلافی که در بین شما هست و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله کرده، اختلافی است مربوط به جعل الهی، نه به خاطر کرامت و فضیلت بعضی از شما بر بعضی دیگر، بلکه برای این است که یکدیگر را بشناسید و نظام اجتماعتان کامل شود.<sup>۶</sup>

" إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ " - این جمله مطلب تازه‌ای را بیان می‌کند، و آن عبارت از این است که چه چیزی نزد خدا احترام و ارزش دارد. تا قبل از این جمله می‌فرمود: مردم از این جهت که مردمند همه با هم برابرند، و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست، و کسی بر دیگری برتری ندارد، و اختلافی که در خلقت آنان دیده می‌شود که شعبه شعبه و قبیله قبیله هستند تنها به این منظور

<sup>1</sup> سوره حجرات، آیه 13<sup>۲</sup>

<sup>3</sup> مجمع البیان، ج 9، ص 138

<sup>4</sup> روح المعانی، ج 26، ص 162

<sup>5</sup> همان، ص 161

<sup>6</sup> همان، ص 162





# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

در بین آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند، تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام بپذیرد، و ائتلاف در بینشان تمام گردد، چون اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف.

در این جمله می‌خواهد امتیازی را که در بین آنان باید باشد بیان کند، اما نه امتیاز موهوم، امتیازی که نزد خدا امتیاز است، و حقیقتاً کرامت و امتیاز است.

توضیح اینکه: این فطرت و جبلت در هر انسانی است که به دنبال کمالی می‌گردد که با داشتن آن از دیگران ممتاز شود، و در بین اقران خود دارای شرافت و کرامتی خاص گردد. و از آنجایی که عامه مردم دل‌بستگی‌شان به زندگی مادی دنیا است قهراً این امتیاز و کرامت را در همان مزایای زندگی دنیا، یعنی در مال و جمال و حسب و نسب و امثال آن جستجو می‌کنند، و همه تلاش و توان خود را در طلب و به دست آوردن آن به کار می‌گیرند، تا با آن به دیگران فخر بفرروشند، و بلندی و سروری کسب کنند.<sup>۷</sup>

در حالی که این گونه مزایا، مزیت‌های موهوم و خالی از حقیقت است، و ذره‌ای از شرف و کرامت به آنان نمی‌دهد، و او را تا مرحله شقاوت و هلاکت ساقط می‌کند.

آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد، و به سعادت حقیقی که همان زندگی طیبه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است می‌رساند، عبارت است از تقوی و پروای از خدا. آری، تنها و تنها وسیله برای رسیدن به سعادت آخرت همان تقوی است که به طفیل سعادت آخرت، سعادت دنیا را هم تأمین می‌کند، و لذا خدای تعالی فرموده "تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْأٰخِرَةَ"<sup>۸</sup>. و نیز فرموده "و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى"<sup>۹</sup>، و وقتی یگانه مزیت تقوی باشد، قهراً گرامی‌ترین مردم نزد خدا با تقوی‌ترین ایشان است، هم چنان که در آیه مورد بحث هم همین را فرموده.

و این آرزو و این هدفی که خدای تعالی به علم خود آن را هدف زندگی انسانها قرار داده، هدفی است که بر سر به دست آوردن آن دیگر پنجه به رخ یکدیگر کشیدن پیش نمی‌آید، به خلاف هدفهای موهوم مذکور که برای به دست آوردن آن مزاحمتها، جنگها و خونریزی‌ها پیش می‌آید. او می‌خواهد بیش از دیگران ثروت را به خود اختصاص دهد، و این می‌خواهد قبل از دیگران به ریاست برسد. او می‌خواهد در تجمل دادن به زندگی از دیگران سبقت بگیرد، و این می‌خواهد آوازه‌اش همه آوازه‌ها را تحت الشعاع قرار دهد، و همچنین سایر مزایای موهوم، همچون انساب و غیره.

"إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ" - این جمله مضمون جمله قبل را تأکید می‌کند، و در ضمن اشاره‌ای هم به این معنا دارد که اگر خدای تعالی از بین سایر مزایای تقوی را برای کرامت یافتن انسانها برگزید، برای این بود که او به علم و احاطه‌ای که به مصالح بندگان خود دارد

<sup>۷</sup> ترجمه تفسیر المیزان، ج 18، ص 490

<sup>۸</sup> شما متاع دنیا را می‌خواهید ولی خدا آخرت را. سوره انفال، آیه 67

<sup>۹</sup> برای زندگی ابدی خود توشه جمع کنید که بهترین توشه تقوی است. سوره بقره، آیه 197



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

می‌داند که این مزیت، مزیت حقیقی و واقعی است، نه آن مزایایی که انسانها برای خود مایه کرامت و شرف قرار داده‌اند، چون آنها همه، مزایایی وهمی و باطل است. زینتهای زندگی مادی دنیايند که خدای تعالی در باره آنها فرموده:

" وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنِّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ<sup>۱۰</sup>"

آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه بر هر انسانی واجب است که در هدفهای زندگی خود تابع دستورات پروردگار خود باشد، آنچه او اختیار کرده اختیار کند، و راهی که او به سوی هدایت کرده پیش گیرد. و خدا راه تقوی را برای او برگزیده، پس او باید همان را پیش گیرد. علاوه بر این، بر هر انسانی واجب است که از بین همه سنتهای زندگی دین خدا را سنت خود قرار دهد.

همانگونه که در آیاتی از قرآن ورود تفاخر به انساب و نژادها و طبقات نفی گردید و به گونه ای به اصل مساوات در اسلام اشاره شد؛ انتظار می رود در شهر اسلامی ساختار محله بندی بر اساس نژاد و تفاخر محله ای به محله ای دیگر به سبب تفاوت طبقاتی اشرافی، صورت نگیرد بلکه تقسیم شهر به محلات مختلف به منظور ایجاد امکان آشنایی و وحدت و نظارت و امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی باشد بنابراین منظور از مقیاس تعرف حد و اندازه ای از اجتماعات انسانی است که امکان شناخت مستقیم و رابطه متقابل را بین اعضا فراهم ساخته است و از بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی جلوگیری نماید. در ادامه برخی تجارب تاریخی در شهرهای جهان اسلام مرور شده و راهکارهای نیل به مقیاس تعرف بررسی می شود.

## مرور برخی تجارب تاریخی شهرهای سنتی ایران و جهان اسلام

### پیش از ظهور اسلام

در برخی متون کهن سابقه ی شکل گیری محله ها به عنوان یک واحد اجتماعی به شهر آرمانی ورجمکرد باز می گردد که برای نخستین بار به دستور اهورا مزدا در سه بخش جداگانه طراحی شده بود. [24] بر طبق اوستا ایران به سه طبقه روحانیون، جنگاوران و کشاورزان تقسیم بندی می شد. [25]

این روند به همین سبک و سیاق ادامه داشت تا اینکه در دوره ی ساسانی، طبقه ی اجتماعی عامل اصلی جدایی شهر نشینان از یکدیگر در واحدهای اجتماعی تحت عنوان محله شد. [26] همچنین در جامعه ی شهری دوره های پارتی و ساسانی صاحبان هر حرفه در برزن مشخص خود سکونت داشتند. [27]

در روزگار ساسانی با رسمی شدن آیین زرتشتی، سخت گیری بر اقلیت های مذهبی اعمال شد و همین باعث منزوی شدن آن ها در واحد های اجتماعی شان گشت از همین رو عامل مذهب نیز در شکل گیری واحدهای اجتماعی شهری نقش موثری داشته است. [28] به طور مثال یهودی ها و مسیحیان در این دوره به ترتیب در اصفهان و اربیل (شمال عراق در شهر دجله) دارای برزن های مخصوص خود بوده اند [29]

<sup>10</sup>سوره عنکبوت، آیه 64



## پس از ظهور اسلام

با ظهور اسلام تعالیمی همچون عدالت اجتماعی<sup>11</sup> و نفی سلطه و استکبار و نابرابری برای همگان مطرح گردید بر این اساس ساختار شهرهای ایران به دور از مرزبندی‌های طبقاتی شکل گرفت و بدین ترتیب نوعی مامن و مسکن برای امت اسلامی گشت [30].

از آنجایی که نظام اجتماعی اعراب بر پایه ی پیوند های طایفه ای و قبیله ای بود ، بر همین اساس عامل دیگری به نام قومیت در شکل گیری محله های اجتماعی مطرح گردید . شاید بتوان گفت از دلایلی که عامل قومیت را به عنوان یکی از عوامل شکل گیری واحد اجتماعی محله مطرح کرد حس هویت جمعی شکل گرفته در افراد قبیله، به عنوان یک واحد سیاسی مستقل می باشد. در برخی از شهرهای نوساز اسلامی مانند کوفه مرزبندی محله ها بر پایه همین پیوندهای طایفه ای تعیین گشت [31]

بن مایه ی اصلی چنین شهرهایی استقرار قبایل عرب در محله هایی به هم پیوسته بود که پیرامون مسجد برپا می شد [32] به طور مثال شهر دایره ای بغداد که یک شهر طراحی شده در سده دوم هجری توسط منصور عباسی است دارای کوی ها و محلاتی بود که کاملا بسته و جدا از هم بودند اما در عین حال کاملا با یکدیگر مرتبط بوده و عملکردهای مشترک بین محله ای در جهت اهداف شهر را دارا بودند. یعقوبی در این باره می نویسد «این کوی ها، میان طاق ها و طاق ها درون شهر و درون باره است... و هر کوی از دو سوی ، درهایی محکم داشت و هیچ کدام به باره ی میدان دارالخلافه اتصال نداشت.» [33]

به طور کلی محلات شهر بغداد به چهار بخش تقسیم شده بود و در هر محله بازارچه ها و گذر ها با اندازه های متفاوت بود [34]

ریمون نظام محلات بسته در شهر های اسلامی را علاوه بر حل زیرکانه مساله امنیت در جهت ایجاد یک جامعه مطلوب و دلخواه با اطمینان از تقریبا مجزا شدن کامل زندگی خانوادگی به مثابه یک ویژگی دلخواه جامعه اسلامی می داند و البته شهرهای عراق و مدیترانه ای را از این قاعده مستثنا می داند [35] «عوامل متعددی مانند عوامل جغرافیایی-اقلیمی ، دفاعی-انتظامی ، فرهنگی-تاریخی و اقتصادی-اجتماعی می توانست موجب پیدایش تجمع گروه های انسانی در فضای متشکل و دارای مرز ها و حدود معین کالبدی و اجتماعی شود. چنین تجمعی به هر یک از خانواده ها و گروه های خویشاوندی و صنفی و حتی افراد ، اجازه و امکان می داد که پاسخ نیازهای عمومی خود را در مجموعه ای متشکل بیابد و آن را تامین کند.

روابط اجتماعی و همبستگی و پیوند ساکنان هر محله به طور عمده توسط عوامل پیدایش محله و تجمع مردم ، شکل می گرفت.

این روابط در اثر تماس ها و معاشرت های هر روزه و مداوم اهالی و اشتراک آن ها در شکل دادن سرنوشت مشترکشان (در حد محله موجب تحکیم روابط همجواری می شد و به وحدت و انسجام اجتماعی آنان در برابر عوامل خارجی می افزود» [30]. تسلط بنی امیه و پس از آنها بنی العباس بر جهان اسلام، مسیر تاریخی اجتماعی مسلمین را تغییر داد و شهرها و نهادها و ساختارهایی متضاد با تعالیم اسلام شکل گرفت:

<sup>1</sup> "انما المومنون اخوه"، سوره حجرات، آیه 10



ج.س. دیوید پدیده تفکیک طبقاتی محلات را در خصوص حلب نشان می دهد. او در نقشه ترسیمی خود نشان می دهد که خانه های سرمایه داران نزدیک مرکز اقتصادی شهر متمرکز بوده و خانه های روستایی محقر در مناطق دورتر شرق و جنوب شهر قرار داشت. [35]

## جمع بندی و نتیجه گیری:

شهر جایگاه نسبتاً بزرگ و دائمی سکونتگاه افرادی است که به لحاظ اجتماعی (و فرهنگی) ناهمگون اند. زیستن تعداد زیادی از افراد در فاصله کم از یکدیگر، موجب می شود افراد بدون اینکه یکدیگر را بشناسند با هم تعاملات سطحی و موقت داشته و تعاملات آن‌ها، به جای ایجاد رابطه مطلوب، صرفاً به ابزاری برای رسیدن به اهداف «خود» محور تبدیل شود. به نظر جامعه شناسان، تماس‌های شهریان با یکدیگر اگر چهره به چهره هم باشد، باز سطحی، زودگذر، جزئی، غیر عاطفی، حسابگرانه و عقلگرایانه است. یکی از فرصت‌ها و امکاناتی که در گذشته به روابط انسانی سالم و مانوس کمک می کرد، مناسبات همسایگی و روابط میان کسانی بود که در محله‌ای گرد هم جمع می شدند، همدیگر را می شناختند و به مشکلات و درد های یکدیگر رسیدگی می کردند. محله‌ها، گذرها و کوچه‌های آن به دلیل روابط اجتماعی هماهنگ و محیط مانوس شکل گرفته در آن‌ها، از هویت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بود و " هویت محله‌ای "، نوع خاصی از همبستگی اجتماعی را به وجود آورده بود. به خاطر این آشنایی و انس، کنترل اجتماعی نیز کارکرد مثبتی داشت و تا حدود زیادی مانع آسیب‌های اجتماعی می شد. در فرهنگ غنی اسلام به واژه‌هایی چون "جماعت"، "امت" بر میخوریم که بر مفهوم همبستگی اجتماعی به معنای عمیق و جامع آن در اسلام دلالت می کنند. یکی از ساختارهای فطری و طبیعی برای ایجاد این همبستگی، پیوندهای خونی و قبیله‌ای و خانوادگی در خلقت انسان می باشد، به عبارتی خلقت انسان با ایجاد تفاوت در رنگ و نژاد و زبان و شکل ظاهر در مقیاسی صورت گرفته که «تعرف» و آشنایی بین ابناء بشر امکان پذیر باشد؛ منظور از مقیاس تعرف حد و اندازه‌ای از اجتماعات انسانی است که امکان شناخت مستقیم و رابطه متقابل را بین اعضا فراهم ساخته و از بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی جلوگیری نماید. لذا با تبعیت از همین اصل تکوینی که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده (بر مبنای آیه سیزدهم سوره حجرات) می توان ضرورت کنترل مقیاس اجتماعات انسانی را مطرح نمود به نحوی که تعرف و آشنایی بین اعضا تسهیل گردد. یکی از واحدها و عناصر اصلی شهری که نقش کنترل مقیاس در طول تاریخ شهرسازی را دارا بوده، «محلات» هستند؛ می توان با تعریف دو عنصر اصلی «مرز» و «مرکز» ساختار محلات را تقویت نمود و زمینه لازم برای افزایش مرادوات درون محلی و کاهش تعاملات برون محلی را ایجاد نمود تا مقیاس تعرف در شهر حفظ گردد. از آنجایی که عبادات جمعی مسلمانان زمینه ساز تعاملات اجتماعی آن‌ها و مسبب ارتقای آگاهی‌های عمومی نسبت به یکدیگر می شود، می توان از مساجد محلی به عنوان قلب، عامل هویتی و انسجام بخش به محله استفاده کرد. مساجد محلی می توانند به عنوان مرکزی برای افزایش تعرف افراد نسبت به یکدیگر و به تبع آن همبستگی اجتماعی آنان ایفای نقش نمایند.



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

## منابع

- [1] ساروخانی، باقر (1388). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- [2] گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید (1384). روشهای تحقیق در معماری. تهران: دانشگاه تهران
- [3] ممفورد، لوئیس (1381). تاریخ شکل شهر. ترجمه احمد عظیمی بلوریان. تهران: رسا
- [4] فیالکوف، یانکل. (1383). جامعه شناسی شهر. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: آگه
- [5] شارع پور، محمود (1391). جامعه شناسی شهری. تهران: سمت
- [6] آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، 1370.
- [7] سرفراز، ع. باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، انتشارات مارلیک، تهران، 1389
- [8] دورکیم، ا. درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات کتابسرای بابل، 1369.
- [9] Meegan, R. & Mitchell, A. It's not Community in Urban Regeneration Policies, Journal of Urban Studies, Vol.38, No.12.
- رئانی خوراسگانی، ع. و دیگران، بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در سطح محله، مجله علوم اجتماعی، شماره دوم، دانشگاه فردوسی مشهد، 1388.
- [11] Thomas, D. Community Development at work: A Case of Obscurity in Accomplishment, London: Community Development Foundation, 1991.
- [12] Toonies, F. Gemeinschaft and Gesellschaft, New York: Harper and Row, 1963.
- [13] Wirth, L. "Urbanism a way of life", American Journal of Sociology, 1938.
- [14] Brower, S. Good Neighborhoods, Study in Tou and Suburban Residential Environment, London: Praeger Press, 1996.
- [15] مطلبی، ق. رویکرد انسانی به توسعه ی پایدار محله ای، جزوه درسی، تهران؛ پردیس هنرهای زیبا، 1383.
- [16] توسلی، غ. امنیت اجتماعی با نگرش محله ای، نامه پژوهش فرهنگی، شماره 9، بهار 1383.
- [17] Cowan, R. The Dictionary of Urbanism, London: Street wise press, 2005.
- [18] شکویی، ج. اندیشه های نو در فلسفه ی جغرافیا، انتشارات گیتا شناسی، تهران، 1383.
- [19] Bourdieu, P. The Logic of Practice, lambridge, Polity, 1990.
- [20] گیدنز، آ. پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران، 1377.
- [21] Albu, R. Ethnicity in Edgar Burgalla Encyclopedia of Sociology, secal Edit, 2000.
- [22] کارن تلی، ال. «آسیب پذیری نواحی شهری در برابر بلایای طبیعی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه و تلخیص وحید عسگری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره 11، انتشارات دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی، سال سوم، 1382.



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

- [23] توسلی، غ. جامعه شناسی شهری، انتشارات پیام نور، تهران، 1382
- [24] وندیداد (مجموعه قوانین زرتشت)، جیمس دارمستتر، ترجمه موسی جوان، انتشارات دنیای کتاب، تهران، 1388.
- [25] اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، انتشارات مروارید، تهران، 1385.
- [26] کریستینسن، آ. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات صدای معاصر، تهران، 1378.
- [27] سید سجادی، م. مرو، انتشارات میراث فرهنگی کشور، تهران، 1383.
- [28] هوار، ک. ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1375.
- [29] سامی، ع. «مهم ترین و بزرگترین نبشته از دوران شاهنشاهی ساسانی»، بررسی های تاریخی، ش 20 و 21، خرداد تا شهریور 1348.
- [30] سلطان زاده، ح. تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران (از دوران باستان تا 1355)، انتشارات چهارطاق، 1390.
- [31] جعفری، ح. تشیع در مسیر تاریخ: تحلیل و بررسی علل پیدایش تشیع و سیر تکوینی آن در اسلام، ترجمه محمدتقی آیت اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1359
- [32] بلاذری، ا. فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، 1988.
- [33] یعقوبی، ا. البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1422ه.ق.
- [34] بنه ولو، ل. تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)، ترجمه پروانه موحد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، 1369.
- [35] ریمون، آ. شهرهای بزرگ عربی-اسلامی در قرون دهم تا دوازدهم هجری، ترجمه حسین سلطان زاده، انتشارات آگاه، تهران، 1370.
- [36] بحری مقدم، ع. یوسفی فر، ش. عوامل اجتماعی فرهنگی در شکل گیری محله در شهر ایرانی اسلامی و کارکردهای آن، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره 17، بهار و تابستان 1392.
- [37] قرآن کریم
- [38] طباطبائی، م. ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1375-1363
- [39] دهخدا، ع. لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1377
- [40] الکساندر، ک. زبان الگو، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، 1387